

Examining the Efficiency and Political Function of the Justice-Seeking Government with the Central Idea of Returning to the Ideals and Perspectives of the First Decade of the Revolution

Reza Eisania

Assistant Professor, Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran. r.eisania@isca.ac.ir

Abstract

One of the most significant subjects and responsibilities of political science is assessing the efficiency levels of various governments. This responsibility aims to elevate the efficiency standards of governments by transforming implicit governmental knowledge into explicit knowledge within the domain of governmental efficiency. In this regard, the present study addresses the issue of evaluating the political efficiency of the justice-seeking government (2005–2013); a government that portrayed previous administrations as its "other" and as a deviant current (a deviation from the revolution and Islam), while presenting itself as the savior and guardian of religion and national independence. The research question is: Has the justice-seeking government, with its central idea of returning to the ideals, managed to demonstrate an acceptable level of efficiency and political function? The research method is critical and is based on the hypothesis that, although the justice-seeking government defends its performance and considers it successful, there exists a significant relationship between the electoral shift of the populace from the justice-seeking government to another administration, indicating the failure of its performance concerning the country's development programs and in comparison, with the performance of developed nations. The research findings also suggest that the justice-seeking government does not possess a successful record in political function; because, despite governing with slogans of expanding justice, compassion, service, combating discrimination and corruption, distributing opportunities, and improving the livelihood of the general populace, not only were the hands of its politicians not clean, but their impurity and inefficiency in various matters inflicted irreparable damages upon society; as they eroded public trust and satisfaction with the government, leading not only to the public's shift away from the justice-seeking government but also to the squandering of a portion of social capital.

Keywords: Justice-Seeking Government, Political Function, Populism, Press, Ahmadinejad, Privatization.

Received: 2024-07-06 ; Received in revised form: 2024-08-02 ; Accepted: 2024-09-15 ; Published online: 2024-09-29

<https://doi.org/10.22034/sm.2022.546081.1807>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



واکوی کارآمدی و کارکرد سیاسی دولت عدالت خواه با ایده مرکزی بازگشت به آرمان‌ها و نگرش‌های دهه اول انقلاب

رضا عیسی‌نیا

استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. r.eisania@isca.ac.ir

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات و وظایف دانش سیاسی بررسی میزان کارآمدی دولت‌های مختلف است. این وظیفه در راستای ارتقاء سطح کارآمدی دولت‌ها ایجاد شده تا از دانش ضمنی دولت‌ها به دانش صریح در قلمرو کارآمدی دولت‌ها دست یابیم. در این راستا، مسئله پژوهش حاضر بررسی میزان کارآمدی سیاسی دولت عدالتخواه (۱۳۸۴-۱۳۹۲) است؛ دولتی که دولت‌های پیشین را «دگر» خود و جریان انحرافی (انحراف از انقلاب و اسلام) معرفی کرد و در عوض خود را ناجی، حافظ دین و استقلال کشور قلمداد کرد. سوال پژوهش این است که آیا دولت عدالتخواه با ایده مرکزی بازگشت به آرمان‌ها، توانسته میزان قابل قبولی از کارآمدی و کارکرد سیاسی را به نمایش بگذارد؟ روش پژوهش انتقادی بوده و بر این فرضیه استوار است که، اگرچه دولت عدالتخواه از عملکرد خود دفاع می‌کند و آن را موفق می‌داند، ولی میان چرخش انتخاباتی مردم از دولت عدالتخواه به دولتی دیگر، رابطه معناداری وجود دارد که حکایت از عدم موفقیت عملکردشان نسبت به برنامه‌های توسعه کشور، و نیز نسبت به مقایسه با عملکرد کشورهای توسعه یافته دارد. یافته‌های پژوهش نیز حاکی از آن است که دولت عدالتخواه دارای کارنامه موفق در کارکرد سیاسی نیست؛ زیرا اگرچه با شعار عدالت‌گستری، مهرورزی، خدمتگزاری، مبارزه با تبعیض، فساد، توزیع فرصت‌ها و بهبود وضع معیشت عموم مردم به حکومتداری پرداخت، ولی نه تنها دستان سیاستمداران این دولت پاک نبود، بلکه ناپاکی و ناکارآمدی آنان در قضایای مختلف، صدمات جبران‌ناپذیری را بر جامعه وارد کرد؛ زیرا با ربودن اعتماد و رضایتمندی مردم نسبت به دولت، نه تنها موجب چرخش مردم از دولت عدالتخواه شد، بلکه بخشی از سرمایه اجتماعی را با خود بر باد داد.

واژه‌های کلیدی: دولت عدالتخواه، کارکرد سیاسی، پوپولیسم، مطبوعات، احمدی‌نژاد، خصوصی‌سازی.

استاد به این مقاله: عیسی‌نیا، رضا (۱۴۰۳). واکوی کارآمدی و کارکرد سیاسی دولت عدالتخواه با ایده مرکزی بازگشت به آرمان‌ها و نگرش‌های دهه

اول انقلاب. *سیاست متعالیه*، ۱۲(۳): ص ۲۰۹-۲۲۶. <https://doi.org/10.22034/sm.2022.546081.1807>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه: فضای حاکم بر دولت عدالت‌خواه

واژه کارایی^۱ به معنای انجام درست کارها، با کارآمدی^۲ به معنای انجام کارهای درست، دو چیز است (ابطحی و کاظمی، ۱۳۷۸: ص ۹)؛ اما این پژوهش، مفهوم کارآمدی و اثربخشی را مانند دیگران (زاهدی، الوانی و فقیهی، ۱۳۸۳: ص ۱۱۱) مترادف گرفته، با اذعان به این مطلب که کارآمدی، دو طرف دارد؛ یکی جنبه مبانی نظری و دیگری، جنبه عملکردی. این نوشتار بر جنبه عملکردی یا کارکردی آن، تمرکز کرده است. بنابراین، وقتی این پرسش مطرح می‌شود که آیا دولت احمدی‌نژاد کارآمد است یا نه؟ به سمت کارآمدی یا همان «مشروعیت ثانویه» توجهی جدی داشته؛ زیرا بقاء، پایداری و مشروعیت دولت او را متوقف بر کارآمدی می‌دانیم. دولت عدالت‌خواه، زمانی مسئولیت اداره مملکت را برعهده گرفت که دولت قبلی، اگرچه در برخی موارد از قبیل فضای باز سیاسی و اجتماعی، پاسخگو بودن و پر کردن شکاف ملت-دولت موفقیت‌هایی را به دست آورده بود؛ ولی در برخی از موارد مانند وجود تورم، کاهش نسبی رشد تولید ناخالص داخلی، کاهش نسبی ارزش پول ملی و افزایش روزافزون بیکاری (اثنی عشری، ۱۳۸۵: ص ۴۵)، با ناکامی‌هایی مواجه بود. در چنین فضایی، دولت احمدی‌نژاد با شعار عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم، فساد و تبعیض و در یک کلام، بازگشت به آرمان‌های دهه اول انقلاب، خود را تعریف کرد؛ زیرا معتقد بود در فضایی مملکت را از دولت قبلی تحویل گرفته که فضای سالمی نبوده است. به این دلیل که در طول سال‌های گذشته، عملکرد برخی مسئولین و دولت‌مردان و عدم پابندی و وفاداری ساختار قدرت به قول‌هایی که داده بود، موجب فاصله گرفتن از سال‌های اولیه انقلاب شده و در نتیجه آن، نوعی بازگشت به آرمان‌ها و نگرش‌های دهه اول انقلاب، اتفاق افتاده بود (اثنی عشری، ۱۳۸۵: ص ۷۱)؛ که آن هم به واسطه اجرای سیاست‌های دولت عدالت‌خواه قابل جبران بود. از این‌رو، دولت عدالت‌خواه با سیاست اقتصادی عدالت‌محور اسلامی - یعنی اقتصادی که نه دولتی بود و نه سرمایه‌داری؛ بلکه اقتصادی مردمی بر پایه عدالت بود- (الهام، ۱۳۸۶)، وارد میدان شد تا بتواند فاصله‌ای که از سال‌های اولیه انقلاب افتاده بود را جبران کند. با عنایت به مطالب فوق می‌توان گفت مسأله پژوهش حاضر، بررسی کارآمدی یا ناکارآمدی سیاسی دولت عدالت‌خواه است. سؤال اصلی این است که، دولت عدالت‌خواه در مشروعیت ثانویه، آیا با کارنامه موفقیتی همراه بوده است؟ و سؤالات فرعی آن عبارتند از: ۱- آیا دولت عدالت‌خواه در حوزه مشارکت سیاسی برابر (مصدداً مطبوعات) کارآمد بوده است؟ ۲- در حوزه کوچک‌سازی به‌عنوان یکی از شاخص‌های گزینش سیاسی برابر، آیا دولت عدالت‌خواه توانست

1. Efficiency

2. Effectiveness

از حلقه بسته مدیریتی عبور کند و کارآمد باشد؟ ۳- آیا دولت عدالت‌خواه در حوزه استقلال سیاسی، دارای کارآمدی و عملکرد سیاسی موفق بوده است؟ برای دستیابی به پاسخ، از روش انتقادی بهره برده و این فرضیه دنبال شده است که اگرچه دولت عدالت‌خواه از عملکرد خود دفاع می‌کند و آن را موفق می‌داند؛ ولی میان چرخش انتخاباتی مردم از دولت عدالت‌خواه به دولتی دیگر، رابطه معناداری وجود دارد که حکایت از عدم موفقیت عملکردشان نسبت به برنامه‌های توسعه کشور، همچنین نسبت به مقایسه با عملکرد کشورهای توسعه‌یافته دارد. یافته‌های پژوهش نیز حاکی از آن است که دولت عدالت‌خواه، دارای کارنامه‌ای موفق در کارکرد سیاسی نیست. زیرا اگرچه با شعار عدالت‌گستری، مهرورزی، خدمتگزاری، مبارزه با تبعیض، فساد، توزیع فرصت‌ها و بهبود وضع معیشت عموم مردم به حکومت‌داری پرداخت؛ ولی نه تنها دستان سیاست‌مداران این دولت پاک نبود، بلکه ناپاکی و ناکارآمدی آنان در قضایای مختلف، صدمات جبران‌ناپذیری را بر جامعه وارد کرد؛ زیرا با ربودن اعتماد و رضایتمندی مردم نسبت به دولت، نه تنها موجب چرخش مردم از دولت عدالت‌خواه شد؛ بلکه بخشی از سرمایه اجتماعی را با خود بر باد داد.

۲. واکاوی کارآمدی و کارکرد سیاسی دولت عدالت‌خواه نسبت به مقوله عدالت سیاسی با تحلیل مؤلفه مشارکت سیاسی برابر

۱-۲. دولت عدالت‌خواه و آزادی احزاب، اجتماعات و مطبوعات

یکی از راه‌های بررسی وضعیت آزادی احزاب و اجتماعات، بررسی وضعیت نشریات و مطبوعات آن کشور است. به نظر می‌رسد برای تحلیل وضعیت مطبوعات در دولت احمدی‌نژاد، قبل از بیان چگونگی برخورد این دولت با مطبوعات و رسانه‌ها، لازم است به پاسخ این پرسش توجه داشت که مطبوعات برای رسیدن به چه هدف یا اهدافی می‌خواهند آزاد باشند؟ پاسخ این است که، اهداف پیشبرد آزادی مطبوعات یک خط فرمان ندارد؛ بلکه نسبت به جوامع گوناگون، با هم متفاوت می‌شوند. گاهی هدف از آزادی، مقابله با استعمار است؛ گاهی برای پوشش مطمئن فعالیت‌های سیاسی در راه مخالفت با نظام حاکم می‌باشد؛ گاهی نیز به‌عنوان وسیله انتقاد برای بهبود امور کشور و گاهی هم، به‌عنوان وسیله عنصر آزادی تجارت. با اینکه منتقدین دولت احمدی‌نژاد خواهان آزادی مطبوعات بوده و آن را در قالب وسیله انتقاد برای بهبود امور کشور دنبال می‌کردند؛ ولی دولت احمدی‌نژاد و طرفداران آن آزادی مطبوعات را پوششی مطمئن از فعالیت‌های سیاسی در راه مخالفت با نظام حاکم قلمداد می‌کردند. اگر آزادی مطبوعات و نشریات را به معنای هرج‌ومرج مطبوعاتی و بی‌قانونی مطبوعاتی ندانیم و آزادی مطبوعات به معنای خاص آن را مورد نظر داشته باشیم؛ یعنی

مطبوعات را با ویژگی‌هایی چون نشر آزاد بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعلیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش‌بینی ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت‌منصفه (محمدپور خبازی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۲۱) بشناسیم، آیا چنین آزادی‌هایی را برای مطبوعات در دوران دولت احمدی‌نژاد شاهد بوده‌ایم؟ آیا احمدی‌نژاد به این خاطر که در دوره چهارساله ریاست‌جمهوری، ۳۲۰ هزار تیر در مخالفت با او و برنامه‌هایش در مطبوعات منتشر شد، می‌تواند خود را سردمدار مدارا با مطبوعات بنامد؟ مطبوعات در دوران وی چه وضعیتی پیدا کرد؟ آیا مطبوعات در این دوران، از یکی از شاخص‌های آزادی مطبوعات، یعنی حق رسیدگی به تخلفات احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت‌منصفه، برخوردار بوده‌اند؟ اگر پاسخ را از سؤال آخر دنبال کنیم باید گفت: خیر، چون در این دوران به‌جای قوه قضائیه، هیأت نظارت بر مطبوعات، وابسته به وزارت ارشاد بود که به نظارت و تذکر بسنده نکرده؛ بلکه خود به توقیف روزنامه‌ها می‌پرداخت و روزنامه‌نگاران را از کار برکنار می‌کرد. اما پاسخ پرسش‌های دیگر، می‌تواند اینچنین باشد: اگرچه دولت عدالت‌خواه مدعی است که در دوران وی به رسانه سخت گرفته نشد و به بهانه نقد و اعتراض، هیچ‌یک از آنها توقیف یا بسته نشد، همانگونه که کامران دانشجو وزیر علوم دولت احمدی‌نژاد می‌گوید: دولت از هیچ رسانه‌ای شکایت نمی‌کرد و «در» هیچ رسانه‌ای بسته نمی‌شد؛ ولی باید اظهار داشت که، وضعیت مطبوعات در این دوران به یک روایت، بدین‌گونه گزارش شده است: در دوران احمدی‌نژاد ۴۳ نشریه توقیف شدند. با اینکه تیراژ روزنامه‌ها در دوره خاتمی به ۴/۷ میلیون نسخه در روز رسیده بود، در دوران احمدی‌نژاد، از ۱/۲ تا ۱/۳ میلیون نسخه در روز بیشتر نشد و حوزه‌های روشنفکری، کاملاً تعطیل شدند؛ چون به‌مثابه کانون‌های فساد و تولید فرهنگ غرب تلقی می‌شدند (مشرق نیوز، ۱۳۹۲). نشریات و مطبوعات توقیف شده و تعطیل شده دوره احمدی‌نژاد عبارتند از: ۱- در ۱۱ دی ۱۳۸۷ روزنامه «کارگزاران» توقیف گردید؛ چون این روزنامه مدافعان فلسطینی را گروهی تروریستی نامیده و اقدام آنها را حرکتی ضدبشری قلمداد کرده بود. ۲- روزنامه «پاس نو» پس از انتشار یک شماره توقیف شد. ۳- روزنامه «اعتماد ملی» به مدیرمسئولی محمدجواد حق‌شناس، در ۲۶ مرداد ۱۳۸۸. ۴- روزنامه «فرهنگ آشتی» و روزنامه «آرمان» در ۱۳ مهرماه ۱۳۸۸. ۵- روزنامه «کلمه سبز» پس از ۲۲ شماره انتشار، در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸. ۶- روزنامه «اندیشه نو» به دلیل تخلف از مفاد ماده ۶ قانون مطبوعات. ۷- هفته‌نامه «آفتاب لرستان» در دی‌ماه ۱۳۸۸. ۸- هفته‌نامه‌های «همت» و «موج اندیشه» لغو امتیاز شدند و در دهم اسفند ۱۳۸۸ پروانه هفته‌نامه سراسری «ایراندوخت» و نشریه استانی «سینا» لغو شد. همچنین نشریه «سرو» متعلق به منطقه ابرکوه، توقیف گردید. ۹- امتیاز ماهنامه «زنان» به مدیرمسئولی شهلا

شرکت، در ۸ بهمن ۱۳۸۶ به دلیل به مخاطره انداختن سلامت روحی، فکری و روانی مخاطب، لغو گردید. ۱۰- در ۲۶ اسفند ۱۳۸۶ سه مجله از مجلات حوزه هنر و ادبیات به نام‌های «مجله هفت»، «دنیای تصویر» و «شوکا» توقیف شدند. ۱۱- پروانه روزنامه «تهران امروز» به مدیرمسئولی قربان‌نژاد، به خاطر انتشار مطالب انتقادآمیز از عملکرد اقتصادی و مالی دولت احمدی‌نژاد و همچنین عملکرد مالی وی، در دوران شهردار تهران در اول تیر ۱۳۸۷، لغو شد. ۱۲- روزنامه «هم‌میهن» که دوره جدید آن حدود دو ماه منتشر شد، به دلیل اظهارات انتقادبرانگیز به احمد جنتی در ۱۲ تیر ۱۳۸۶ توقیف گردید. ۱۳- روزنامه «شرق»، روزنامه‌ای که در ۲۰ اسفند ۱۳۸۵ رفع توقیف شده بود، پس از هشت ماه توقیف، در روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۶، انتشار خود را مجدد شروع کرد؛ ولی در ۱۵ مرداد ۱۳۸۶ دوباره توقیف گردید. ۱۴- روزنامه «همشهری عصر» نیز در ۴ مرداد ۱۳۸۷ توقیف شد (هاشمی، ۱۳۸۸). از آنجایی که مطبوعات، نشان‌دهنده و بازتاب‌دهنده فضای آزادی و آزادی بیان است؛ آیا با توجه به وضعیت تشریح‌شده مطبوعات در دولت عدالت‌خواه، باز هم می‌توان گفت که نشریات و مطبوعات و احزاب در دولت احمدی‌نژاد از وضعیت خوبی برخوردار بوده‌اند و عملکرد این دولت در نوع مواجهه با احزاب، اجتماعات و مطبوعات، عملکردی موفق و کارآمد بوده است؟!

۳. واکاوی کارآمدی و کارکرد سیاسی دولت عدالت‌خواه نسبت به مقوله عدالت سیاسی با تحلیل

مؤلفه گزینش سیاسی برابر

احمدی‌نژاد معتقد بود نگاه انقلاب با آن نگاه سیاسی که برخی سعی کردند در کشور حاکم کنند، زمین تا آسمان متفاوت است و به جز ارزش‌های انقلاب، هیچ چیز دیگری اصالت ندارد. بدین جهت مشکلات کشور را در فراموشی اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی قلمداد کرده و سعی داشت که به دیگران بقبولاند که دولت‌ش آمده است تا انقلاب اسلامی را به مسیر خود بیاندازد و در گزینش سیاسی از باند و باندبازی جلوگیری کند. براساس همین دیدگاه است که در اجتماع مردم مشهد اظهار می‌دارد که: «در مسیر ما از اواسط جنگ، یک انحرافی در سیستم دولتی و حکومتی ایجاد شد و رفته‌رفته هم زاویه‌اش از مسیر انقلاب بیشتر شد. جریان انحرافی، مسئولیت را به جای این‌که فرصت انجام وظیفه بدانند فرصتی شخصی پنداشته و باندبازی و دسته‌بندی شروع و باند جای مکتب و منافع ملی و ارزش‌های الهی را گرفت» (سرزعی، ۱۳۹۵: ص ۱۱۱؛ روزنامه ایران، ۱۳۸۴: ص ۲) این دولت، که همانند دولت‌های پیشین دوبار مسئولیت مملکت‌داری را برعهده گرفت (یکی در ۳ تیر ۱۳۸۴ با ۱۷ میلیون و ۲۴۸ هزار و ۷۸۲ رأی، و بار دوم در روز ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ با

۱۶ (۲۴۵۲۷۵ رأی)؛ آیا توانست مملکت را از انحراف نجات دهد؟ و آیا توانست کشوری را بسازد که در گزینش سیاسی، نه تنها باندبازی را ملاک قرار ندهد، بلکه مکتب، منافع ملی و ارزش‌های انقلاب را جانشین گزینش سیاسی مد نظر قرار دهد؟ آیا احمدی‌نژاد «حلقه بسته مدیریتی» را که یکی از مشکلات اساسی و بنیادین دولت‌های دوران قبل از خود می‌دانست، شکست؟ و گزینش سیاسی را فرآیندی و عام و همه‌گیر کرد؟ برای دستیابی به پاسخ سؤالات فوق از میان چهار شاخص گزینش سیاسی (اجتماعی کردن سیاست، حل مناقشات موجود در میان اعضای جامعه، پاسداری ارزش‌ها و کوچک‌سازی دولت و خصوصی‌سازی) فقط به یک شاخص، یعنی کوچک‌سازی و خصوصی‌سازی دولت بسنده می‌کنیم.

۳-۱. کوچک‌سازی و خصوصی‌سازی

۳-۱-۱. دولت عدالت‌خواه و کوچک‌سازی دولت

دولت احمدی‌نژاد همانند دیگر دولت‌های جمهوری اسلامی، دولتی بود که شعار کوچک‌سازی دولت را می‌داد، ولی آیا این دولت در امر کوچک‌سازی دولت موفق بوده است؟ به دلایلی می‌توان گفت که دولت عدالت‌خواه هم کارنامه موفقی در کوچک‌سازی دولت نداشته است؛ چرا که این دولت نیز نهادها و مؤسساتی را ایجاد کرد که موجب فربه‌تر شدن دولت گردید. مثلاً تأسیس صندوق مهر امام رضا(ع)، یکی از مهم‌ترین لوایح اقتصادی دولت احمدی‌نژاد است که با هدف کمک به اشتغال و ازدواج جوانان تأسیس گردید. درحالی که این امر مهم، می‌توانست در قالب مباحث تأمین اجتماعی دنبال شود؛ اما این صندوق در کنار سایر نهادهای مالی قرار گرفت و همانند سایر بانک‌ها و مؤسسات مالی به متقاضیان وام داد. همچنین، ضعف نهاد دولت در این دوره موجب شد که دولت در برخی موارد - به‌طور مثال در زمینه استخدام‌ها - به یک نهاد متورم تبدیل گردد؛ زیرا ۲۰۰ هزار سازمان به سازمان‌های دولت افزوده شده بود که این تورم می‌توانست ناکارآمدی دولت را در پی داشته باشد. همچنین براساس قانون، باید حدود ۱۲۵ هزار نیروی قراردادی جذب می‌کرد که ۶۵۰ هزار نفر استخدام شدند و جذب حدود ۴۲۲ هزار نفر بدون ضوابط (یعنی رعایت آگهی استخدامی و برگزاری آزمون استخدام) بوده است (عصر ایران، ۱۳۹۳).

یکی از اقدامات احمدی‌نژاد، که اگر ناموفق نمی‌شد، می‌توانست کوچک‌سازی دولت را به دنبال داشته باشد، اقدام عریضه‌نویسی مستقیم به رئیس‌جمهور بود؛ زیرا وی بر این باور بود که مشکل بوروکراسی یا دیوان‌سالاری در ایران، نه اصلاح رویه‌ها و نه اصلاح فرآیندها است؛ بلکه حذف و دور زدن بوروکراسی است. وی به‌جای اینکه کارشناسان سازمان‌ها را مفید ببیند، آنها را بخشی از مشکل قلمداد کرده و به همین علت

به جای اصلاح سازمان‌ها و رویه‌ها، بر تغییر مدیران سابق و اجرای امور با استفاده از قدرت مدیران تأکید داشت و راهکار اصلی او ارتباط مستقیم مدیران با مردم، به جای ارتباط سازمان‌ها و کارشناسان اداره‌های دولتی با آنان بود. این تفکر موجب شد سبک نوینی در اداره کشور ایجاد شود و آن، عریضه‌نویسی مستقیم به رئیس‌جمهور بود. اما این کار، نه تنها موفق نبود؛ بلکه مشکل هم ایجاد می‌کرد؛ چون یا باید کارشناسان سازمان‌ها عاقل و باطل می‌ماندند و در عوض حقوقشان را دریافت می‌کردند؛ که این با کوچک شدن دولت منافات داشت و یا از کار برکنار می‌شدند که این هم قابل اجرا نبود. بنابراین، سیاست اشتباهی که رئیس‌جمهور در این باره در پیش گرفته بود، موجب شد که حجم درخواست‌ها و نامه‌های مردمی زیاد شود و رسیدگی به تک‌تک آنها برای رئیس‌جمهور ناممکن گردد. در نتیجه، وی مجبور شد که یکی از معاونان خود را برای پیگیری این موارد منصوب نماید. یعنی برگشت به همان شیوه بوروکراسی که معمول بود. به‌طور خلاصه، عریضه‌نویسی به‌خاطر مشکلاتی همچون به‌هم ریختن ترتیبات اداری یا مختل کردن نظم اداری، نادیده گرفتن مشاوره‌های کارشناسان هنگام تصمیم‌گیری و کنار نهادن مقوله اصلاح نهادها و نظام‌های اداری (سرزیم، ۱۳۹۵: ص ۹۲)، نتوانست به کوچک‌سازی دولت منجر شود. همچنین، در دو سال پایانی دولت احمدی‌نژاد براساس برنامه پنجم توسعه، دولت احمدی‌نژاد براساس اصل ۴۴ قانون اساسی ملزم به کوچک‌سازی دولتش شد. یعنی براساس اصل ۴۴، مجلس هشتم با الحاق بندی به ماده ۵۵ لایحه برنامه پنجم توسعه، قوه مجریه را مکلف به ادغام یک یا چند وزارتخانه و رساندن تعداد وزارتخانه‌ها به ۱۷ وزارتخانه تا پایان برنامه پنجم کرد. در نتیجه طبق این قانون، وزارتخانه‌های مسکن و راه و وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع، درهم ادغام شدند که محصول این ادغام، وزارتخانه‌های «صنعت، معدن و تجارت» و «راه و شهرسازی» شد. همچنین از ادغام سه وزارتخانه تعاون، کار و امور اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی، وزارتخانه «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» ایجاد شد. اقدامی که اگرچه قرار بود با هدف چابک‌سازی بدنه دولت، اتفاق بیفتد؛ اما عدم برنامه‌ریزی صحیح و نامشخص بودن سازوکار اجرایی آن، باعث شد عملاً دستاوردهای مدنظر حاصل نشود (سلام نو، ۱۳۹۷).

با اینکه دولت احمدی‌نژاد براساس مطالب فوق‌الذکر، اقدام به کوچک‌سازی دولت کرد، ولی اقدامات دیگر و برنامه‌های ناقص انجام‌شده دولت موجب شد که نه تنها دولت به سمت کوچک‌سازی نرود؛ بلکه ارقام و آمار جدول (۱) نشانگر بزرگ‌تر شدن دولت به‌واسطه ایجاد استان‌ها و شهرستان‌های جدید بوده است.

جدول ۱- افزایش تعداد استان‌ها، شهرستان، شهرها در دوران دولت عدالت‌خواه سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۲ براساس تقسیمات کشوری (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴: ص ۳۳)

سال	تعداد استان	تعداد شهرستان	تعداد شهر	تعداد بخش	تعداد دهستان
۱۳۸۴		۳۳۶	۸۸۹	۱۰۱۵	۲۴۰۰
۱۳۸۵		۳۳۶	۸۸۹	۱۰۱۶	۲۴۳۰
۱۳۸۶		۳۳۶	۹۱۹	۱۰۶۱	۲۴۳۰
۱۳۸۷		۳۶۸	۹۲۹	۱۰۸۲	۲۴۳۸
۱۳۸۸		۳۸۰	۹۴۵	۱۱۰۵	۲۴۵۹
۱۳۸۹		۳۹۷	۹۸۲	۱۱۴۴	۲۴۹۶
۱۳۹۰		۴۰۰	۹۹۴	۱۱۶۶	۲۵۰۷
۱۳۹۱		۴۲۲	۱۰۴۱	۱۲۲۴	۲۵۶۶

با اینکه آمار و ارقام نشانگر این مطلب هستند که دولت احمدی‌نژاد همانند دیگر دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در کوچک‌سازی دولت موفق نبوده است؛ ولی رئیس دولت‌های نهم و دهم، تأکید می‌کند که دولت در این دوره کوچک‌تر شده است؛ چون بیشترین حجم اختیارات به استان‌ها داده شده است و همچنین در طول این مدت، بیش از ۷۰۰ هزار نفر از دولت رفته‌اند و چندین وزارتخانه نیز ادغام شده‌اند (روزنامه ایران، ۱۳۹۲).

۳-۱-۲. دولت عدالت‌خواه و خصوصی‌سازی

اگرچه رئیس دولت عدالت‌خواه، نسبت به خصوصی‌سازی دولت‌های پیشین، نقد و اشکال داشت و معتقد بود که خصوصی‌سازی باید متکی بر مردم باشد؛ سؤال این است که آیا چنین چیزی اتفاق افتاد و دولت احمدی‌نژاد در کوچک‌سازی دولت، موفق بوده است یا خیر؟ در طول دوره هشت‌ساله رئیس‌جمهوری احمدی‌نژاد، ارزش سهام شرکت‌های واگذارشده دولتی، حدود ۱۰۲ هزار و ۶۴۴ میلیارد تومان است. رقم خصوصی‌سازی در دولت احمدی‌نژاد، حدود ۳۳۳ برابر میزان خصوصی‌سازی در دولت هاشمی، ۴۱ برابر میزان خصوصی‌سازی در دولت خاتمی و نزدیک به ۲/۵ برابر میزان خصوصی‌سازی در دوره پنج‌ساله دولت روحانی بوده است (عبداللهی، ۱۳۹۷). آمار، نشان‌دهنده این مطلب است که خصوصی‌سازی در سال‌های اولیه دولت عدالت‌خواه، بسیار کند بوده است؛ چراکه در سال ۱۳۸۵ فقط ۶۴۰ میلیون دلار از دارایی‌های دولتی، تقریباً ۹ درصد از طرح‌های خصوصی‌سازی واگذار گردید. اما از سال ۱۳۸۹، دولت احمدی‌نژاد برنامه خصوصی‌سازی را سرعت بخشید که شامل فروش ۵۰ شرکت به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار می‌شد.

سازمان خصوصی سازی، دوره میانی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ را سال طلایی خصوصی سازی نامید و این امر به واسطه فروش بخش های استراتژیکی همچون مخابرات، حمل و نقل، برق، سوخت، بانکداری و فولادی بود (حاجیلو، ۱۳۹۶: ص ۱۰۳). با وجود این، برخی از افراد معتقدند که خصوصی سازی در ایران موفق نبوده است. مثلاً علی اشرف، پوری حسینی، رئیس کل سازمان خصوصی سازی می گوید: عملکرد دولت ها در خصوصی سازی از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ یعنی به مدت ۱۲ سال، با موفقیت همراه نبوده است؛ چون آمار واقعی خصوصی سازی از ابتدای تأسیس این سازمان تا نیمه دوم سال ۱۳۹۲ حدود ۵۳ هزار میلیارد تومان بوده و تنها ۵۴ درصد سهام واگذار شده را می توان خصوصی سازی واقعی تلقی کرد (سایت دارایان، ۱۳۹۴).

۴. واکاوی کارآمدی و کارکرد سیاسی دولت عدالت خواه نسبت به مقوله عدالت سیاسی با تحلیل مؤلفه امنیت سیاسی برای همگان

۴-۱. استقلال سیاسی

«در دولت عدالت خواه، مشاهده می شود که مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان قوه مجریه در کنار دولت، در سیاست گذاری و تصمیم گیری های مربوط به سیاست داخلی و خارجی وارد عمل شده است. این در حالی است که این رئیس دولت عدالت خواه بود که سیاست های خود، از جمله سیاست تنش زایی را دنبال می کرد؛ زیرا براساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، این مسئولیت بخشی از وظایف رئیس جمهور در حوزه سیاست خارجی است که به وی مجوز تعقیب چنین سیاست هایی را می دهد».

دولت احمدی نژاد، سیاست تنش زایی را به جای سیاست تنش زدایی به کار گرفت؛ زیرا وی معتقد بود سیاست خارجی ایران قبل از وی سیاستی تدافعی و انفعالی بوده است؛ در حالی که، نباید اینگونه می بود و باید از سیاستی تهاجمی بهره می برد (سرزعی، ۱۳۹۵: ص ۱۸۰). اما پرسش این است که: در چه فضایی و چرا دولت احمدی نژاد سیاست تنش زایی را انتخاب کرد و این سیاست چه نقشی در استقلال ایفا کرد؟ در پاسخ، می توان اشاره کرد که فضای سیاسی ایران در دوران ششمین رئیس جمهوری ایران و دوره اول ریاست جمهوری احمدی نژاد (که مقارن است با دوره دوم ریاست جمهوری بوش پسر از حزب جمهوری خواه و به عنوان چهل و یکمین رئیس جمهور امریکا، ۲۳ مرداد ۱۳۸۴ مطابق با ۲۰۰۴ میلادی الی ۱۲ مرداد ۱۳۸۸، مطابق با ۲۰۰۸ میلادی)، فضایی است که تبلیغات و فضا سازی سیاسی علیه ایران شدیدتر شده و ایران هراسی تا آنجا پیش رفته است که پرونده هسته ای ایران در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ مطابق با ششم مارس ۲۰۰۶، از سوی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی به شورای امنیت ارجاع می گردد و امریکا موفق

می‌شود که سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه را علیه ایران با خود متحد کند. جمهوری اسلامی ایران نیز از اجرای مفاد قطعنامه ۱۶۹۶ مبنی بر توقف فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم سر باز زد و این عمل موجب تصویب ۵ قطعنامه دیگر علیه ایران از جانب شورای امنیت با فشارهای آمریکا گردید. ایران‌هراسی دولت‌مردان امریکایی، فقط به دور اول دولت احمدی‌نژاد منحصر نشد؛ چون در دور دوم ریاست‌جمهوری رئیس دولت عدالت‌خواه، که مطابق است با دور اول ریاست‌جمهوری باراک اوباما (دموکرات (۱۲ مرداد ۱۳۸۸ مطابق با ۲۰۰۸م الی ۱۲ مرداد ۱۳۹۱ مطابق با ۲۰۱۲م) نیز شاهد فضا سازی علیه ایران و تشدید اجرای سیاست منزوی کردن ایران توسط دولت اوباما هستیم. چون در این دوره، علاوه بر تحریم شورای امنیت، قانون ایلسا نیز تمدید شد و وی اعلام کرد که وضعیت اضطراری، به دلیل رفتار ایران ادامه دارد (مشیرزاده و جعفری، ۱۳۹۱: ص ۶۶-۶۷).

اگرچه برخی میان احمدی‌نژاد دوره اول و روزها و ماه‌های نخست ریاست‌جمهوری با احمدی‌نژاد دوره دوم و سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری تفاوت قائل هستند و اگرچه دوران احمدی‌نژاد با سیاست خارجی تهاجمی همراه بوده که منجر به صدور چند قطعنامه و تحریم‌های گسترده گردید که پیش‌تر هم به آن اشاره شد و حتی گفته شد که به بهانه این سیاست دولت عدالت‌خواه، نشانه‌هایی از جنگ از جانب جورج بوش در سال آخر ریاست‌جمهوری‌اش در صحنه‌های سیاسی قابل مشاهده بود؛ ولی در کل، وقتی عملکرد دولت وی نسبت به استقلال کشور و تأمین تمامیت وحدت ارضی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، می‌توان گفت که دولت مذکور حافظ استقلال کشور بوده است، به دلایل مختلفی از جمله: ۱- این دولت همانند دیگر دولت‌ها از درون نظام جمهوری اسلامی ایران بیرون آمده است، پس نمی‌تواند نافی استقلال باشد. ۲- به‌خاطر اینکه چشمان ناظر و تیزبین مردمی و نهادهایی همچون رهبری، مجلس، رسانه‌ها، وجود داشته‌اند که به دولت و دولت‌مردان عدالت‌خواه اجازه نمی‌داده است که هر نوع تصمیمی را به ضرر و علیه استقلال کشور اتخاذ نمایند. لذا، اگر دولت احمدی‌نژاد با چالش‌های شدید و ظالمانه مانند تحریم‌ها یا سیاست‌های قلدرمآبانه قدرت‌های سلطه‌گر مواجه می‌شد، راه‌هایی را برای خنثی کردن آنها می‌یافتند. مثلاً یکی از مواردی که دولت عدالت‌خواه در مقابل سیاست‌های ظالمانه دولت‌مردان غرب اتخاذ کرد، سیاست نگاه به شرق بود. اگرچه به تعبیر افرادی چون صادق خرازی (سفیر اسبق ایران در فرانسه)، دولت نهم و دهم، این تصمیم را خودش نگرفته باشد؛ بلکه به‌واسطه تحریم‌ها و بحران‌ها به طرف شرق حرکت کرده باشد (خرازی، ۱۳۹۲). با وجود این، دولت نهم از سیاست نگاه به شرق به‌عنوان راهبردی برای برقراری تعادل و توازن بین نگاه به شرق و نگاه به غرب بهره می‌برد.

همانطور که گفته شد، دولت عدالت‌خواه از آنجایی که نظام بین‌الملل را نظامی مبتنی بر ظلم و بی‌عدالتی می‌دانست؛ لذا، برخورد لازم می‌دید که با ستمگر و ظالم با استراتژی مقابله‌جویانه وارد شود و سیاست تنش‌زایی را برگزیند. لذا، برای رهایی از سیاست‌های خصمانه دول غربی دو استراتژی را انتخاب و دنبال کرد ۱- استراتژی و سیاست نگاه به شرق؛ در این مورد تلاش داشت که به عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای درآید. ۲- استراتژی جنوب به جنوب؛ برای تحقق این استراتژی در حوزه اقتصادی فعالیت‌های مختلفی به عمل آورد، از جمله تأسیس دفاترهای تجاری در شهرهای مهم منطقه آمریکای لاتین، ایجاد اتاق بازرگانی ایران و آمریکای لاتین در وزارت صنایع و معادن ایران، برقراری خطوط هوایی مستقیم باری و مسافری (تهران- کاراکاس) و تأسیس شرکت مشترک پتروشیمی (ذوالفقاری و زینی‌وند، ۱۳۹۷: ص ۸۰). خلاصه اینکه، اگرچه دیپلماسی هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد منجر به تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه ایران گردید و یا سیاست تنش‌زایی وی موجب شد که قدرت‌های سلطه‌گر به‌ویژه آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را در ردیف کشورهای امنیتی و تهدیدزا قرار داده و با این سیاست‌های خود ضربات سنگین و فلج‌کننده‌ای بر اقتصاد ایران وارد نماید، ولی ایران اسلامی در دوران دولت احمدی‌نژاد، از مواضع استکبارستیزی و استقلال‌خواهی خود کوتاه نیامد.

۵. نتیجه‌گیری

در سال ۱۳۷۶، مردم جریانی به نام جریان اصلاحات را جهت قوه مجریه برگزیدند؛ تا توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی را برای آنان تحقق ببخشند. ولی به دلایلی، دولت اصلاحات نتوانست کارآمدی خود را به منصفه ظهور برساند. لذا، مردم در سال ۱۳۸۴ از جریان دولت اصلاحات، روی برگردانده و به دولت پوپولیستی احمدی‌نژاد پیوستند. دولتی که به دنبال مهرورزی و عدالت‌گستری بود. این دولت، زمانی کرسی ریاست قوه مجریه را برعهده گرفت که دولت قبلی، اگرچه در برخی موارد از قبیل فضای باز سیاسی و اجتماعی، پاسخگو بودن دولت و پر کردن شکاف ملت-دولت موفقیت‌هایی را به دست آورده بود؛ ولی در مواردی (مانند تورم، کاهش نسبی رشد تولید ناخالص داخلی، کاهش نسبی ارزش پول ملی، افزایش بیکاری) نیز با ناکامی‌هایی مواجه بود. در چنین فضایی، دولت احمدی‌نژاد با شعار عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم، فساد و تبعیض و در یک کلام، بازگشت به آرمان‌های دهه اول انقلاب، خود را تعریف کرد و با سیاست اقتصادی متفاوت از دولت‌های قبل، وارد میدان شد. اقتصاد عدالت‌محور اسلامی، یعنی اقتصادی که نه دولتی بود و نه سرمایه‌داری؛ بلکه اقتصادی مردمی برپایه عدالت بود؛ تا بتواند فاصله‌ای که از سال‌های اولیه انقلاب افتاده

بود را جبران کند. بنابراین، بحث اینگونه طرح شد که آیا دولت عدالت‌خواه، آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی، که مردم در اوایل انقلاب به دنبالش بودند را تقویت کرد یا نه؟ برای یافتن پاسخ، به کارکرد سیاسی این دولت، در سه محور پرداخته شد و مشخص گردید که دولت عدالت‌خواه، بر این باور است که آزادی مطبوعات را به معنای خاص آن (یعنی مطبوعات را با ویژگی‌هایی چون نشر آزاد بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعلیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش‌بینی ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات، رسیدگی به تخلفات احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت منصفه) رعایت و دنبال کرده‌اند؛ ولی آیا مطبوعات در این دوران از یکی از شاخص‌های آزادی مطبوعات، یعنی حق رسیدگی به تخلفات احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت منصفه، برخوردار بوده‌اند؟ پاسخ این است که، خیر. چون در این دوران، به جای قوه قضائیه، هیأت نظارت بر مطبوعات، وابسته به وزارت ارشاد بود که به نظارت و تذکر بسنده نکرده، بلکه خود به توقیف روزنامه‌ها می‌پرداخت و روزنامه‌نگاران را از کار برکنار می‌کرد. بنابراین، اگرچه دولت عدالت‌خواه مدعی است که در دوران وی به رسانه سخت گرفته نشد و به بهانه نقد و اعتراض، هیچ‌یک از آنها توقیف یا بسته نشد و دولت از آنها شکایتی نکرد؛ ولی باید اظهار داشت که مطبوعات در این دوران، وضعیت خوبی نداشته‌اند؛ زیرا تیراژ روزنامه‌ها در دوره خاتمی به $\frac{4}{7}$ میلیون نسخه در روز رسیده بود و در دوران احمدی‌نژاد از $\frac{1}{2}$ تا $\frac{1}{3}$ میلیون نسخه در روز بیشتر نشد. ۴۳ نشریه نیز توقیف شدند و حوزه‌های روشنفکری، کاملاً تعطیل شدند؛ چون به مثابه کانون‌های فساد و تولید فرهنگ غرب تلقی می‌شدند. البته ناگفته نماند که اگر آزادی‌ای هم برای مطبوعات در این دولت بوده است -مخصوصاً در دو سال آخر دوره ریاست جمهوری وی- و یا فضایی برای ارائه نقد دولت احمدی‌نژاد فراهم شد، به این خاطر بود که روزنامه‌هایی مانند کیهان یا رسانه‌ای همچون صداوسیما علیه او موضع گرفته و سخنانی علیه دولت احمدی‌نژاد می‌زدند. لذا، فضا برای دیگر رسانه‌ها و مطبوعات نیز باز شد و به نقد وی پرداختند. وگرنه، فضای نقدی وجود نداشت و احمدی‌نژاد که معتقد بود اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی به فراموشی سپرده شده و باید سعی کرد که انقلاب اسلامی را به مسیر خود انداخت و از باند و باندبازی جلوگیری کرد، نه تنها نتوانست از باند و باندبازی خلاصی پیدا کند، بلکه خود نیز در همین میدان، بازی کرد و بازنده بازی هم شد.

این دولت، که همانند دیگر دولت‌های جمهوری اسلامی، دولتی بود که شعار کوچک‌سازی دولت را می‌داد در این راه موفق نبود؛ زیرا ۲۰۰ هزار سازمان به سازمان‌های دیگر این دولت افزوده شد. همچنین براساس قانون، این دولت باید حدود ۱۲۵ هزار نیروی قراردادی جذب می‌کرد؛ ولی ۶۵۰ هزار نفر استخدام شدند، که جذب حدود ۴۲۲ هزار نفر، بدون ضوابط یعنی بدون رعایت آگهی استخدامی و برگزاری آزمون

استخدامی بوده است. همچنین نهادها و مؤسساتی را ایجاد کرد که موجب فربه‌تر شدن دولت گردید. مثلاً تأسیس صندوق مهر امام رضا(ع) یکی از مهم‌ترین لوایح اقتصادی دولت احمدی‌نژاد است؛ که با هدف کمک به اشتغال و ازدواج جوانان تأسیس گردید. درحالی که، این امر مهم می‌توانست در قالب مباحث تأمین اجتماعی دنبال شود؛ اما این صندوق در کنار سایر نهادهای مالی قرار گرفت و همانند سایر بانک‌ها و مؤسسات مالی به متقاضیان وام داد. یکی دیگر از اقدامات رئیس‌جمهور که به‌جای اینکه دولت را کوچک کند، موجب فربه‌تر شدن دولت شد؛ اقدام عریضه‌نویسی بود. وی با این کار قصد داشت که مشکل بوروکراسی در ایران را حل کند. لذا، سبک نوینی در اداره کشور ایجاد کرد و آن، عریضه‌نویسی مستقیم به رئیس‌جمهور بود. اما این کار نه‌تنها موفق نبود، بلکه مشکل هم ایجاد کرد؛ چون کارشناسان سازمان‌ها یا باید عاطل و باطل می‌ماندند و درعوض، حقوقشان را دریافت می‌کردند که این با کوچک شدن دولت منافات داشت و یا باید از کار برکنار می‌شدند، که این هم قابل اجرا نبود. بنابراین، سیاست اشتباهی که رئیس‌جمهور در این‌باره در پیش گرفته بود، موجب شد که حجم درخواست‌ها و نامه‌های مردمی زیاد شود و رسیدگی به تک‌تک آنها برای رئیس‌جمهور ناممکن گردد؛ در نتیجه، وی مجبور شد که یکی از معاونان خود را برای پیگیری این موارد منصوب نماید، یعنی برگشت به همان شیوه بوروکراسی که معمول بود. در روند خصوصی‌سازی، اگرچه دولت احمدی‌نژاد برخلاف دولت سازندگی که به سرمایه‌گذاران بزرگ تکیه کرده بود، شعار تکیه بر مردم را داد؛ ولی در این بخش هم موفقیت چشمگیری که مربوط به مردم باشد به دست نیاورد؛ زیرا نهادهایی را وارد این فعالیت کرد که نظامی بودند.

دولت عدالت‌خواه، به این دلیل که معتقد بود در برابر افرادی زورگو مانند جورج بوش نمی‌توان از گفت‌وگوی تمدن‌ها سخن گفت و باید با سیاستی تهاجمی و غیرانفعالی وارد عمل شد، سیاست تنش‌زدایی دولت‌های پیشین را کنار نهاد و سیاست تنش‌زایی را به‌عنوان سیاست خارجی خود اعلام کرد. چون بر این باور بود که در مقابل درشت‌گویی‌های جورج بوش و تیم وی، باید موضع تهاجمی در پیش گرفت. از این‌رو، در عرصه سیاست خارجی، دولت وی، سیاست تهاجمی را شیوه خود کرد و به‌جای سیاست تنش‌زدایی، به تنش‌زایی پرداخت. اگرچه این سیاست به قدرت‌های خارجی بهانه داده تا تبلیغات و فضا‌سازی سیاسی علیه ایران را تشدید کنند و ایران‌هراسی را تا آنجا پیش ببرند که پرونده هسته‌ای ایران در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ مطابق با ششم مارس ۲۰۰۶ میلادی از سوی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به شورای امنیت ارجاع گردید و امریکا موفق شد که سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه را علیه ایران، با خود متحد کند. جمهوری اسلامی ایران نیز از اجرای مفاد قطعنامه ۱۶۹۶ مبنی بر توقف فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی

اورانیوم، سر باز زد؛ که این عمل موجب تصویب ۵ قطعنامهٔ دیگر علیه ایران از جانب شورای امنیت با فشارهای آمریکا گردید. ایران‌هراسی دولت‌مردان امریکایی فقط به دور اول دولت احمدی‌نژاد منحصر نشد. چون دور دوم ریاست‌جمهوری رئیس دولت عدالت‌خواه، مطابق است با دور اول ریاست‌جمهوری باراک اوبامای دموکرات، که در این دوره نیز شاهد فضا سازی علیه ایران و تشدید اجرای سیاست منزوی کردن ایران توسط دولت اوباما بودیم. چون در این دوره علاوه بر تحریم شورای امنیت، قانون ایلسا نیز تمدید شد و وی اعلام داشت که وضعیت اضطراری به دلیل رفتار ایران ادامه دارد. با همهٔ این رفتارهای خصمانه علیه ایران، باز هم شاهد این هستیم که دولت ایران از استقلال خود دست برنداشت.

منابع

- ابطحی، سیدحسین؛ کاظمی، بابک (۱۳۷۸). بهروری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم. اثنی عشری، شهرداد (۱۳۸۵). *از دولت اصلاحی تا دولت اسلامی*. تهران: عطایی.
- الهام، غلامحسین (۱۳۸۶). بنیادگرایی؛ اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی: گفتگو با غلامحسین الهام سخنگوی دولت. *برداشت اول*، (۱). اولین‌های دولت احمدی‌نژاد نسبت به دولت‌های گذشته. *روزنامه ایران* (۱۳۹۲/۰۵/۱۲)، شماره ۵۴۲۷. قابل دسترس در: <https://www.magiran.com/article/2788288>
- حاجیلو، محمدحسین (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی سیاست دولت‌های پس از جنگ تحمیلی در شاخصه‌های خصوصی‌سازی و ادغام در اقتصاد جهانی (مطالعه موردی دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد. *رهیافت انقلاب اسلامی*، (۴۱)۱: ص ۹۷-۱۱۴. خرازی، صادق (۱۳۹۲/۰۵/۲۰). نتیجه سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد، تقابل بود. *خبرگزاری فارس*. قابل دسترس در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1919770/%>
- ذوالفقاری، مهدی؛ زینی‌وند، حسین (۱۳۹۷). جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی). *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، (۲۷)۸: ص ۶۷-۹۳.
- ریاست جمهوری، سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). *سری زمانی نماگرها و شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ۵۰ سال کشور*. *روزنامه ایران*، شماره ۳۲۶۸، ۹ مهر ۱۳۸۴.
- زاهدی، شمس‌السادات؛ الوانی، سیدمهدی؛ فقیهی، ابوالحسن (۱۳۸۳). *فرهنگ جامع مدیریت*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سرزعی، علی (۱۳۹۵). *پریولیسیم ایرانی: تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی‌نژاد از منظر اقتصاد و ارتباطات سیاسی*. تهران: نشر کرگدن.
- شاهکار دولت احمدی‌نژاد: استخدام بی‌سواد و ابتدایی در وزارت آموزش و پرورش. *سایت تحلیلی خبری عصر ایران* <https://www.asriran.com/fa/news/346211> (۱۳۹۳/۰۴/۲۵). قابل دسترس در:
- عبداللهی، مهدی (۱۳۹۷/۵/۲۸). کارنامه مردود ۴ دولت در خصوصی‌سازی. *روزنامه فرهیختگان*. قابل دسترس در: <http://farhikhtegandaily.com/news/20937>
- کارنامه دو ساله خصوصی‌سازی در دولت روحانی، داشته‌های اقتصاد ایران. *سایت دارایان* (۱۳۹۴). قابل دسترس در: <https://www.daraian.com/fa/news/153-econews/9442>
- کوچک‌سازی دولت؛ از ایده تا اجرا. *سلام‌نو* (۱۳۹۷/۰۹/۰۷). قابل دسترس در: <https://salameno.ir/detail/285532>
- محمدپورخجازی، سارا؛ محمدپورخجازی، ندا (۱۳۹۱). بررسی عوامل سیاسی مؤثر در توسعه آزادی مطبوعات در ایران. *مطالعات رسانه‌ای*، (۱۹)۷.
- مشیرزاده، حمیرا؛ جعفری، هرمز (۱۳۹۱). قدرت هژمون دولت‌های انقلابی، مطالعه موردی امریکا و جمهوری اسلامی ایران. *روابط خارجی*، (۱)۴: ص ۴۷-۷۸.

مناظره جلیلی، شمس‌الواعظین و سلیمی نمین: سه دولت در بوته نقد و نظر، از نظر فرهنگ تا سیاست. مشرق نیوز (۱۳۹۲/۰۵/۱۳).

<https://B2n.ir/e46216>

قابل دسترس در:

هاشمی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). عملکرد چهار ساله آقای احمدی‌نژاد در مقابله با مطبوعات. قابل دسترس در:

<http://hiiva.blogfa.com/post-284.aspx>